

مطالعه خط کانجی بر روی سفالینه های
چینی به دست آمده از حفاری های
باستان شناسی قلعه الموت قزوین /
۷۱-۶۳



ظرف چینی به خط کانجی متعلق به
امپراتور شوان دوازدهمین سلسله مینگ
۱۴۳۵-۱۴۳۶ م، مأخذ:
www.icollector.com



مطالعه خط کانجی بر روی سفالینه‌های چینی به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی قلعه الموت قزوین

*** کامبیز کبیری * پرستو مسجدی خاک * حمیده چوبک ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۰

صفحه ۶۳ تا ۷۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

قلعه‌های اسماعیلی در ارتفاعات البرز به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند؛ دژهایی که احداث آن‌ها به زمان اسماعیلیان بازمی‌گردد و دیگری قلعه‌هایی که به دست فدائیان تسخیر و الحاقاتی به آن‌ها افزوده شد همچون قلعه الموت. بعد از تسخیر قلعه الموت در دوره دومین ایلغار مغول، این قلعه توسط اسماعیلی (نودولت)، سادات کیایی مورد استفاده قرار گرفت و در دوره صفوی از این قلعه به عنوان محلی برای نگهداری مطرودان فراموشخانه استفاده می‌شود. از آثار باارزشی که در قرون ۱۴-۱۶ میلادی و به ویژه دوره مینگ از چین به مناطق دیگر صادر می‌شد، چینی آبی و سفید است. در ایران دوره صفوی سفالگران موفق به تولید چینی‌هایی مشابه چینی‌های دوره مینگ شدند. از این رو با به دست آمده آمدن ۴ قطعه چینی آبی و سفید با واژگان چینی از کاوش‌های قلعه الموت این پژوهش ضرورت یافت. هدف این پژوهش بازخوانی متن کانجی روی سفال‌ها و استفاده از آن‌ها جهت شناخت وضعیت باستان‌شناسی قلعه الموت بود تا به کمک آن بتوان دوره‌ای که این آثار به آن تعلق دارد را شناسایی کرد. سؤال اصلی پژوهش این است که چینی‌های الموت به چه دوره‌ای تعلق دارند و تحلیل این یافته‌ها بر اساس بافت باستان‌شناسی و تاریخی قلعه الموت گویای چه اطلاعاتی است؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر پایه مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. نتایج نشان داد این قطعات به ترتیب با اوزون حسن آق‌قویونلو و دو پادشاه صفوی شاه طهماسب اول و شاه عباس هم‌دوره است. در یکی از قطعات نام فغفور چنگ‌خوا دیده می‌شود و دو قطعه دیگر متعلق به جیاجینگ و نواداش وانلی است و عبارت Chang ming fu gui به معنای طول عمر زیاد توأم با شادی، ثروت و تندرستی و Yong bao chang chun به مفهوم همیشه جوان بودن روی این قطعات نوشته شده است. کشف این آثار نشان داد که حیات سیاسی و اجتماعی در قلعه الموت با حمله مغول پایان نیافته و این مکان تا دوره صفوی همچنان مورد استفاده قرار داشت و برخلاف آنچه که در منابع آمده در دوره صفوی از الموت صرفاً به عنوان زندان استفاده نمی‌شد و تداوم حیات سیاسی و اجتماعی در قلعه الموت خاصه در دوره ترکمانان آق‌قویونلو و صفویه وجود داشته است.

کلیدواژه‌ها

قلعه الموت، ظروف چینی، کانجی، امپراتوری مینگ.

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی، عضو پایگاه میراث فرهنگی الموت، شهر قزوین، استان قزوین

Email: kambizkabiri1975@gmail.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، شهر نیشابور، استان خراسان (نویسنده مسئول)

Email: parastomasjedi@yahoo.com

Email: h_choubak@yahoo.com

*** مدیر پایگاه میراث فرهنگی الموت، شهر قزوین استان قزوین

مقدمه

وضعیت باستان‌شناسی قلعه الموت صورت گرفت تا مشخص شود که این نمونه‌ها متعلق به کدامیک از ادوار سکونت اسماعیلیه یا حکومت‌های دیگر در این محوطه است. سؤال اصلی پژوهش این است که چینی‌های الموت به چه دوره‌ای تعلق دارند و تحلیل این یافته‌ها بر اساس بافت باستان‌شناسی و تاریخی قلعه الموت گویای چه اطلاعاتی است؟ **ضرورت و اهمیت** پژوهش پیش رو در این است که با مطالعه نوشته‌های کنجی روی این قطعات ظروف بتوانیم به مضمون آن‌ها پی ببریم و مشخص شود کالایی تجاری بوده‌اند که از چین به ایران وارد شده‌اند یا تقلیدی از خط کنجی چین بوده است.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر پایه مطالعات میدانی (داده‌های به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی) و کتابخانه‌ای است. در جریان کاوش‌های صورت گرفته در قلعه بالای الموت که محل حکام اسماعیلی بوده، ۴ قطعه چینی آبی و سفید به خط کنجی و با نقش مایه خرچنگ به دست آمده آمد که با توجه به اهمیت کشف چنین قطعاتی از ایران؛ پژوهش حاضر انجام و قطعات چینی به دست آمده مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی است.

پیشینه تحقیق

از خطوط رایج در سرزمین چین می‌توان به خط مفهوم نگار کنجی اشاره کرد. هاشم رجبزاده (۱۳۸۱) در مقاله تعریف ابن‌الدیم و رشیدالدین فضل‌الله از خط چینی-ژاپنی و مزایای آن در نشریه نامه انجمن، ش ۵ آورده که در میان مورخان مسلمان، ابن‌دیم (سده ۴ ه.ق) در کتاب الفهرست به نقل از زکریای رازی و نیز خواجه رشیدالدین فضل‌الله (سده ۷ ه.ق) در دیباچه تنکسوق (تنسوخ) نامه، شرح جامعی درباره ساختار و کیفیت خط چینی و یا به قول ابن‌دیم «خط تصویری مجموع» که دلالت بر معانی بسیار دارد را نگاشته، ذکر کرده‌اند.

از جمله می‌توان به استفاده از این خط در پرسلین‌های آبی و سفید و صادرات گسترده آن به شهرها و بنادر خاور نزدیک در خلال سده‌های ۱۲ تا ۱۹ میلادی اشاره کرد. در این دوره راه دریایی ادویه در مقایسه با جاده کهن ابریشم، نقش به‌مراتب پررنگ‌تری در انتقال تولیدات امپراتوری‌های یوآن (۱۲۷۱ - ۱۳۶۸ م)، مینگ (۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ م) و چینگ (۱۶۴۴ - ۱۹۱۲ م) داشته است.

دانشپورپرور (۱۳۷۶) در مقاله یافته‌های ظروف چینی جزیره هرمز و نقش این جزیره در بازرگانی ایران و چین، شوش، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی، میراث فرهنگی تهران، به کاربردهای خط کنجی در کارگاه‌های سلطنتی

تا قبل از کشف یافته‌ها و داده‌های جدید باستان‌شناختی از قلعه الموت (از جمله قطعات چینی)، به نظر می‌رسید باگذشت صد و هفتادسال تاریخ پرفراز و نشیب اسماعیلیان، عاقبت با تسخیر قلعه الموت توسط هلاکوخان (۶۵۴ ه.ق)، اهمیت و موقعیت استراتژیک قلعه به یک‌باره و برای همیشه به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ لذا از این زمان ما هرگاه نامی از الموت می‌شنویم، تنها اشاره‌ای است گذرا از حبس مطرودان و رقبای سیاسی وقت که به نحوی از انحاء مدتی را در قلعه به‌خصوص در سیاه چاه معروف آن بسر برده‌اند؛ از جمله می‌توان به حبس خواجه عبدالحی، وزیر ملک اشرف حاکم آل چوپان (۷۴۴ - ۷۵۸ ه.ق) و زندانی شدن تعدادی از سپهسالاران گیلان به وسیله شاهان صفوی اشاره کرد.

به این ترتیب با افول قدرت اسماعیلیان در الموت و تغییر کاربری قلعه الموت به زندان، الموت و مناطق مجاور تا مدت‌ها در اختیار دولت زیدی مذهب آل کیا قرار داشت.

در دورانی که بیشتر نواحی ایران درگیر کشمکش‌های ترکمانان آق‌قویونلو و آخرین حکمرانان تیموری بود، سادات گیلان برای حفظ جایگاه و موقعیت خود، به ناچار گاه از این و گاه از آن دولت اطاعت می‌کردند؛ این در حالی بود که بازماندگان اسماعیلیه کماکان در بخش‌هایی از قلمرو دولت مذکور دارای پیروانی بوده و آخرین حکمران اسماعیلیه الموت که در تاریخ از او نام برده شده، فردی به نام محمد ملحد از نبیره‌های علاءالدین محمد است. در نهایت با قتل عام اسماعیلیان در نیمه نخست سده نهم هجری (هم‌زمان با فرمانروایی سید رضی‌کیا و سید ناصرکیا)، به فعالیت این گروه در منطقه برای همیشه خاتمه داده شد.

امروزه با کشف یافته‌های جدید باستان‌شناسی، بازنگری در حیات سیاسی و اجتماعی الموت (پس از تسخیر)، امکان پذیر شده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۸۵ در الموت، دو اشکوب صخره‌ای به فاصله ۲۰ متر از هم به دست آمد که قلعه بالا و قلعه پایین نام‌گذاری شده‌اند؛ قلعه بالا مربوط به حکام اسماعیلی (نودولت) و قلعه پایین محل نگهداری پادشاهان بوده است. (چوبک، ۱۳۸۵) از قلعه بالا الموت تعداد ۴ قطعه ظرف چینی با خط کنجی به دست آمده است. در صورت خواندن نوشته‌های کنجی و تاریخ‌گذاری آنان و امکان تعلق آن‌ها به دوره‌های پس از حمله مغولان به قلعه الموت، بازنگری در سکونت و استفاده از قلعه الموت پس از فروپاشی حکومت اسماعیلیه فراهم خواهد شد.

از خطوط رایج در سرزمین چین خط کنجی است و از این نوع خط در چینی‌های آبی و سفید صادراتی چین به خاور نزدیک در خلال سده‌های ۱۲-۱۹ میلادی (۶-۱۳ ه.ق) استفاده می‌شده از جمله بر روی قطعات ظروف الموت. این پژوهش باهدف بازخوانی متن کنجی روی سفال‌ها و تاریخ‌گذاری آن‌ها و استفاده از آن‌جهت تحلیل و شناخت

چینی آبی و سفید

یکی از انواع سفال‌های رایج در دوره اسلامی سفال آبی و سفید است که در سرزمین‌های مختلف اسلامی مانند سامرا، فسطاط و ایران تولید می‌شد و در ایران از مراکز اصلی تولید این سفال می‌توان به شوش، سیراف، ری و نیشابور اشاره کرد. (زکی، ۱۳۸۸: ۱۸۴؛ Williamson, ۱۹۸۷: ۱۶) کوارتز، پتاس و خاک رس سفید زمانی که باهم مخلوط شوند خمیره‌ای سخت و سفید به وجود می‌آید و لعاب قلیایی از همان سنگ کوارتز و پتاس پودر شده بر روی ظرف ایجاد می‌شود. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۶۵) ایرانی‌ها در تولید {چینی} سفید و آبی با نقوش زیر لعاب از دو نوع لعاب شفاف و نیمه شفاف استفاده می‌کردند که در لعاب شفاف از اکسید سرب و در نیمه شفاف از اکسید قلع استفاده می‌شد و رنگ آبی هر دو نوع از کبالت بود. (روح‌فر، ۱۳۸۱: ۵۰) در زادگاه تکنیک مزبور، هرچند از اواخر دوره «هان» (۲۰۶ ق.م الی ۲۲۰ م) ما شاهد جایگزین شدن ظروف سفالین چینی به جای ظروف سفالین معمولی هستیم، اما در متون به جای مانده از امپراتوری، کلمه‌ای که معنای چینی بدهد در دسترس نیست و این واژه برای نخستین بار از زمان سلسله «چین» (۲۶۵ - ۴۲۰ م) در نوشته‌ها آمده است. در دوره سونگ (۹۶۰ - ۱۲۷۹ م) ساخت ظروف چینی به‌ویژه در مناطق جنوب شرقی چین دارای تحولی شگرف گردید (Kessler, 2012: 523) و از آغاز قرن ۹ میلادی (۳ ه.ق) ظروف ساخت چین از جمله پرسلین‌های سفید اولیه به خاورمیانه صادر می‌شد. کاربرد چینی در آن دوران محدود به سلاطین و حکام بود و در جواهر نامه نظامی به آن اشاره شده است (جوهری نیشابوری، ۱۳۸۳: ۹۶). بیهقی ورود اولین نمونه‌های چینی به خاور نزدیک و ایران را مربوط به دوره هارون‌الرشید می‌داند (۱۶۴-۱۸۷ ه.ق) (بیهقی، ۱۳۱۹: ۲۳۰). چنانکه تولیدات این دوره به بسیاری از نقاط جهان از جمله ایران صادر و با اقلام دیگر مورد مبادله قرار می‌گرفت. فریه معتقد است که در اواخر سده هشتم هجری چینی آبی-سفید وارد آسیای میانه و ایران شده است (فریه، ۱۳۷۴: ۲۶۵). گلمبک نیز بیان کرده که ظروف چینی آبی و سفید برای اولین بار در اوایل قرن پانزده میلادی به ایران وارد شد اگرچه که قبل از این زمان به مصر و سوریه رسیده بود (Golombek and Mason, 2014: 64).

رنگ آبی اولین بار در دوره امپراتوری تانگ بر روی پرسلان‌های چینی ظاهر شد و بعد از دوره تانگ ناپدید شدند و چهارصد سال بعد در دوره یوان ظاهر شدند (Wen and Pollared, 1971: 24, 25). در عصر دودمان مغولی «یوان» (۱۲۷۱ - ۱۳۶۸ م)، یک نوع چینی به نام «آبی و سفید» پدیدار شد که دارای نقوش آبی در زیر لعاب شفاف بود. منبع کبالت مصرفی در چین در دوره یوان از کوه‌های اطراف قمصر کاشان در ایران تأمین می‌شده



تصویر ۱. ظرف چینی به خط کانجی متعلق به امپراتور شوان دو از سلسله مینگ ۱۴۲۶-۱۴۳۵ م، مأخذ: <https://www.icollector.com>

چین اشاره کرده است. محمدحسن زکی (۱۳۸۴) در کتاب چین و هنرهای اسلامی ترجمه غلامرضا تهامی، انتشارات فرهنگستان هنر تهران، از علاقه ایرانیان به خط کانجی نوشته است. رابرت فینلای (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان *The Pilgrim Art: The Culture of Porcelain in World History* مجله تاریخ جهان، به مطالعه الگوهای رایج از جمله خط کانجی روی سرامیک‌های سلسله مینگ و چینگ پرداخته است. سوزان والنشتاین (۱۹۸۹) در کتاب *Chinese Ceramics A Handbook of* انتشارات موزه متروپولیتن به مطالعه علامت‌ها و خط کانجی روی انواع مختلف سرامیک دوره‌های مختلف امپراتوری چین پرداخته است. ویلی هاجسون (۱۹۵۷) در کتاب *How To Identify Old Chinese Porcelain* انتشارات شیکاگو و لندن، به موضوعاتی همچون علامت‌ها و کانجی روی ظروف چینی ادوار مختلف امپراتوری چین و چینی‌های وارداتی به اروپا پرداخته است. هوپر و فیلیپس (۱۸۹۴) در کتاب *Pottery and Porcelain* انتشارات میشیگان و نیویورک، به علامت‌ها و خط روی سفال و چینی‌های سرزمین چین و ژاپن پرداخته است. بیامیش (۱۹۵۴) در مقاله *The Marks on Chinese Porcelain* انتشارات موزه‌های فدراسیون مالایا، به بررسی علامت‌ها و خط کانجی روی ظروف چینی چین پرداخته است.

کشف قطعات ظروف چینی با نوشته کانجی در کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه الموت قزوین می‌تواند اطلاعات سودمندی را در مورد روابط ایران و چین آشکار کند و در این نوشتار به معرفی و خوانش این واژگان در بستر تاریخی و تبادلات تجاری توجه شده است.

۱. به‌عنوان نمونه در کتاب جهان نامه نوشته محمد بن نجیب بکران، آمده: «از دریا مشرقی، از چین ختوآرند و مسک و اوانی (کوزه، ظرف) چینی و آهن‌گوهردار و بعضی داروها» (بکران، ۱۳۴۲: ۱۰۳).

است. (کاشانی، ۱۳۴۵: ۵۷؛ ۵۲۰، ۵۱۲: ۲۰۱۲: Kessler, Garner, ۱۹۵۶, Li, ۱۹۹۶: ۲۰۹) از این رو مردم چین، ظروف آبی و سفید را «آبی محمدی» می‌نامیدند. (Kessler, 521: 2012; Bailey, 1996: 7) به نظر می‌رسد سرامیک‌های آبی و سفید اواخر دوره یوآن بیشتر برای صادرات تولید می‌شده‌اند زیرا نمونه‌های آن بیشتر از آنکه در خود چین به دست آید در جهان اسلام یافت شده و عموماً از کیفیت بالایی برخوردارند. (Golombek et al, 1996)

سرانجام با فروپاشی سلسله «یوآن» در چین توسط سرداری به نام «هونگ وو» که حکومتش معاصر با امیر تیمور گورکانی بود، خاندان چینی تبار مینگ در خلال سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی در این کشور به حکومت پرداختند. هونگ وو پس از تسلط بر چین، امپراتوری خود را مینگ به معنای درخشان نامید. (جرالد: ۱۳۶۷: ۵۲۷) خاندان مینگ در دوره حکومت خود بر چین، از مسلمانان حمایت می‌کردند؛ اما پس از سقوط این سلسله و روی کار آمدن خاندان منچو (۱۶۴۴م) روابط به تیرگی گرایید و مسلمانان به قیام‌های متعددی دست زدند. (زکی، ۱۳۸۴: ۲۵)

در دوره مینگ «جینگ ده جن» ادر ایالت فولیانگ [اهمیتی ویژه یافت؛ این ناحیه به دلیل منابع وافر خاک چینی و خاک رس اصلی‌ترین و عمده‌ترین مرکز تولید چینی آبی و سفید در چین بود. (Li, ۱۹۹۶: ۲۰۸) بخش عمده تولیدات کارخانه ویژه امپراتور جهت استفاده درباریان و بزرگان کشور بوده و بقیه به‌عنوان هدایا برای سران کشورها به‌ویژه مسلمانان ارسال می‌شد و مقادیر زیادی نیز به کشورهای آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، هند، آسیای غربی و به‌خصوص ایران و اروپا صادر می‌شد. (Carsewell, 2002: 103; 79)

همچنین بنا بر مدارک تاریخی در دوره مینگ، هم‌زمان با دو سلسله تیموری و صفوی، رفت‌وآمدهای چین و ایران زیاد شد. مقصد حرکت از چین به ایران بندر هرمز بود. لیانگ در ارتباط با سفرهای تسن‌خه در دوره تیموری آورده است: «تسن‌خه، دریانورد مشهور چینی که هفت بار فرماندهی گروه کشتی‌های چینی را بر عهده داشت، به‌سوی دریای غرب سفر کرد و حامل پیام‌های دوستی مردم چین برای آن سامان بود. در این میان ظروف چینی از مهم‌ترین صنایع هنری این کشور به شمار می‌رود که هیئت تسن‌خه با خود به ایران می‌برد.» (لیانگ: ۱۳۶۶: ۸۵۲)

فناوری تولید ظروف آبی و سفید در دوره مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴م) به اوج رسید. صادرات ظروف چینی بعد از سقوط سلسله مینگ از رواج افتاد. (متین، ۱۳۸۷: ۲۵۳-۲۶۰) در دوره شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌عباس اول و دوم و شاه صفی ایران بخشی از تجارت چینی آبی و سفید را به دست گرفت. در ایران شهرهای کرمان، مشهد، یزد، اصفهان، شیراز، زرنند از مهم‌ترین مراکز تولید سفال آبی و سفید

بود. (Golombek and Mason, 2014: 64)

دوره شاه سلطان حسین صفوی هم‌زمان با پشت سر گذاشتن دوران گذر در چین، بازار چینی آبی و سفید دوباره به دست چینی‌ها افتاد. (همان: ۹۲-۹۵)

خط کانجی

در زبان ژاپنی به نشانه‌های نگارشی خط چینی، کانجی^۲ گفته می‌شود. تعداد حروف کانجی بیش از ۴۰۰۰۰ است. جملات اغلب به‌صورت عمودی و از بالا به پایین و از راست به چپ نوشته و خوانده می‌شود. در کاوش‌های انجام‌شده در ناحیه شاندونگ چین قطعه سفال‌هایی به خط کانجی متعلق به ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال پیش به‌دست آمده آمد. (رجب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۲) حروف کانجی می‌تواند به چندین شکل تلفظ و خوانده شود؛ بنابراین یک حرف کانجی با توجه به شکل تلفظ و زمینه‌ای که در آن استفاده می‌شود می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. کانجی امروزی به‌عنوان خطی مفهوم نگار، از تحول نمادها و نشانه‌های نخستین در حدود ۲۰۰۰ الی ۲۵۰۰ ق.م در سرزمین چین شرقی پدیدار شد و

باگذشت زمان به جزایر ژاپن راه یافت. (همان: ۱۱۹)

ازجمله موارد به‌کارگیری خط چینی در سرزمین چین، کاربرد وسیع آن در کارگاه‌های بعضاً سلطنتی این کشور بوده است. این خط در چهار حالت تظاهر می‌یابد:

۱. علامت و نشان امپراتوری که بیانگر نام فغفور و سلسله حکومتی او بوده است.

۲. در تعدادی از ظروف نوشته‌ها بیانگر دعا، آرزوی خوشبختی، عمر طولانی و جوانی پایدار، دولت و ثروت، تندرستی و ایمنی است.

۳. به شکل تک کلمه در روی ظروف یا کف قسمت داخلی نوشته شده است.

۴. گاهی در کف پایه تک‌کلمه‌ای است که به‌عنوان مارک {علامت} کارخانه به کار می‌رفته است. (دانشپورپرور: ۱۳۷۶: ۱۳۵)

از موارد به‌کارگیری خط کانجی می‌توان به استفاده از آن در صنایع مستظرفه ازجمله پرسلین‌های آبی و سفید و صادرات گسترده این چینی‌ها به شهرها و بنادر خاور نزدیک در خلال سده‌های ۱۲ الی ۱۹ میلادی اشاره کرد. در این دوره راه دریایی ادویه در مقایسه با جاده کهن ابریشم، در انتقال تولیدات امپراتوری‌های «یوآن» (۱۲۷۱-۱۳۶۸م)، مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴م) و چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۲م) از نقش به‌مراتب پررنگ‌تری برخوردار بود. (تصویر ۱)

ظروف کانجی قلعه الموت

در ایران، سفال‌های آبی و سفید تولیدشده در شهرهای نیشابور دوره تیموری و مشهد در عصر صفوی، بیشترین تأثیر را از نقشمایه‌های هم‌زمان سلسله مینگ در چین داشته‌اند. (فریه، ۱۳۷۴: ۲۶۷-۲۶۶؛ صدیقی، ۱۳۸۷: ۳۳۲)

سوی دیگر با توجه به عدم آشنایی سفالگران ایرانی با خط و زبان چینی ساخت سفال‌های با نوشته کانجی به صورت معنادار غیر متحمل است. از میان ۴ قطعه، یک قطعه مربوط به نهمین فغفور امپراتوری مینگ، «چنگ خوا» (۱۴۸۷ - ۱۴۶۵ م) است. ۶ کلمه یا کانجی این قطعه عبارت‌اند از: (da = بزرگ)، (ming = مینگ)، (cheng - hua = چنگ - خوا)، (nian = دوره)، (zhi = ساخت) (تصویر ۲ و ۳)؛ دو قطعه دیگر هم هرکدام دارای چهار کلمه دعایی رایج در ظروف آبی و سفید فغفور «جیاجینگ» (۱۵۶۶ - ۱۵۲۲ م) و نوادهاش «وانلی» (۱۶۲۰ - ۱۵۷۳ م) است.

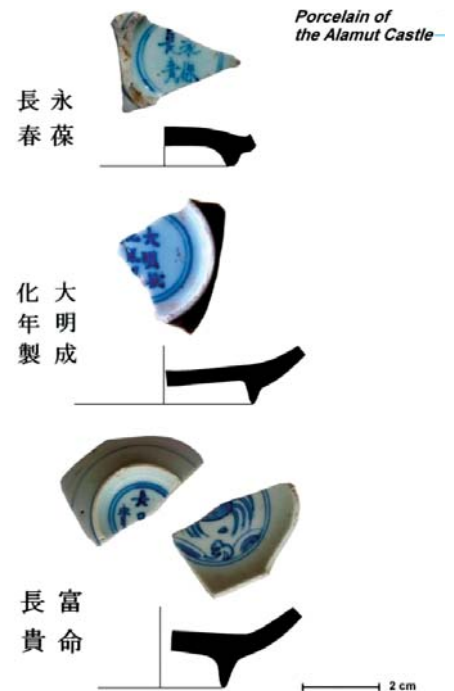
به‌ویژه آنکه در قسمت داخلی یکی از قطعات، نقش خرچنگ که از نقوش متداول اواسط امپراتوری تا اوایل دوره بعدی (چینگ = Qing) است، به چشم می‌خورد. (Hodgson, ۱۹۵۷، ۶۶؛ ۸۶، (تصویر ۲ و ۶))

در اساطیر چین، خرچنگ دشمن ایزد دریاست و همیشه با آن در جنگ و ستیز است. (لیانگ، ۱۳۸۵: ۲۶۴) ۴ کانجی این قطعه، که ۲ کانجی آن به علت شکستگی مفقود شده اما با مقایسه با موارد مشابه چین و با توجه به منابع (Suleski, ۲۰۱۹: ۲۰)، به نظر می‌رسد عبارت زیر نوشته شده است: (Chang ming fu gui) به معنای طول عمر زیاد توأم با شادی و ثروت و تندرستی؛ و معمولاً در میان ۴ کانجی مورد اشاره، یک مربع یا دایره کوچک، نظیر همین قطعه به‌دست آمده از قلعه الموت دیده می‌شود. (تصویر ۲ و ۴) چهار کانجی قطعه سوم نیز، عبارت‌اند از: Yong bao chang chun (Eternal spring) یا «همیشه جوان بودن» در اصطلاح فارسی است (تصویر ۲ و ۵). (همان: ۱۶۱)

با توجه به تاریخ حکومت امپراتوران چین این چینی‌ها به ترتیب هم‌زمان با دوره اوزون حسن حاکم آق قویونلو و دو پادشاه صفوی شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس بوده‌اند.

تقلید ظروف چینی در ایران

جهانگرد غربی اولیاریوس ذکر کرده که در اوایل سده دهم هجری، دو بازرگان چینی دکانی در شهر اردبیل دایر کرده و انواع سفالینه چینی را در آنجا می‌فروختند. (سیوری: ۱۴۱: ۱۳۷۲)؛ عدم توانایی رقابت میان سفال‌های ظریف ساخت چین با تولیدات داخلی موجب شد که شاه‌عباس ۳۰۰ استاد کوزه‌گر چینی را به ایران دعوت کند تا ایرانی‌ها ساخت ظروف چینی را از آنان بیاموزند. در نهایت دوراندیشی شاه، همراه با تلاش خستگی‌ناپذیر سفالگران نتیجه داد و آن‌ها موفق شدند ظروف بدنه سفید مشابه خمیره چینی تولید کنند. (همان، ۱۲۵؛ وولف، ۱۳۷۲: ۱۳۴) لن در کتابش به نقل از رافائل دومان کشیش فرانسوی مقیم اصفهان (۱۶۶۰ م) به این نکته اشاره کرده که تشخیص ظروف آبی و سفید ایران از مشابه چینی کار بسیار مشکلی است. (Lane, ۱۹۷۱: ۱۱۰) تاورنیه نیز در این باره آورده یکی از صنایع ممتاز



تصویر ۲. قطعات ظروف چینی با خط کانجی به‌دست آمده از قلعه الموت، مأخذ: نگارندگان

در این دوره حتی گاهی نشان‌های امپراتوری مورد تقلید سفالگران ایرانی قرار می‌گرفت اما از آنجاکه این سفالگران با خط چینی آشنا نبودند، لذا باید پرسش‌های دارای کانجی به‌دست آمده از نقاط مختلف ایران، از جمله ۴ قطعه به‌دست آمده از الموت را جزء ظروف وارداتی و مشمول طبقه‌بندی جداگانه دانست.

در خلال کاوش‌های باستان‌شناختی فصل ششم در قلعه بالا الموت در سال ۱۳۸۵ شمسی، از میان لایه آواری متأخر صفوی بر روی بقایای معماری دوره موسوم به نودولت، چهار قطعه چینی با خط کانجی کشف شد. (چوبک، ۱۳۸۵) مقایسه این قطعات با نمونه‌های وارداتی چین نشان داد که به لحاظ کیفیت کاملاً مشابه نمونه‌های چینی است؛ از



تصویر ۳. نمونه ظرف چینی متعلق به چنگ خوا ۱۴۶۵-۱۴۷۸ م، مأخذ: www.pinterest.com



تصویر ۵. ظرف چینی با عبارت Eternal spring ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴م،
مأخذ: www.pinterest.com



تصویر ۴. ظرف چینی متعلق به جیاجینگ با عبارت Chang ming fu
۱۵۲۲-۱۵۶۶م، مأخذ: www.pinterest.com

سلطان محمد که توان رویارویی با ترکمانان را در خود نمی‌دید، با اوزون حسن رابطه‌ای دوستانه برقرار کرد و با اهدای چهل خروار ابریشم، توانست حکومت نواحی بیه‌پس (غرب سفیدرود) را به دست آورد. (رابینو، ۱۳۶۴: ۱۳۳) از این دوره تا روی کار آمدن دولت صفوی و تثبیت حکومت صفوی در دوره شاه‌عباس، اشاراتی معهود به ظروف چینی در متون تاریخی به چشم می‌خورد. از جمله در رساله «سمریه» در باب احداث رصدخانه الغیبگ آمده است: «میرزا الغیبگ در تاریخ ۸۳۲ ... در لب جوی آب رحمت رصد بریست و ... در پایان تل رصد چینی‌خانه آراسته کرد» (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۶) و یا در سفرنامه سیاح ونیزی جوزافا باربارو که در سال ۸۷۹ هجری در تبریز نزد اوزون حسن رفته است آمده که در دربار او ظروفی زیبا که از چینی و سنگ پیشم ساخته شده بودند را دیده است. (باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۳)

همچنین در کتاب تاریخ خانی درباره جدالی که بین سلطان میرزا علی با عباس سپهسالار بیه‌پس در سال ۹۰۸ هجری رخ داد، صحبت شده و آمده که عباس هفت روزی در لاهیجان توقف کرد و غنائم بسیار به دست آمده آورد و آلات مسی، کاسه‌های چینی و کتاب‌ها بار اسبان کرده و روانه کوجصفهان شد. (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۱۴۲) در مثنوی گلزار صفا که رساله‌ای منظوم درباره کاغذ گری و رنگ‌آمیزی است (۹۵۰ ه.ق) آمده که برای تهیه رنگ سبز از ترکیب خل (سرکه) با مس در کاسه چینی استفاده شده است:

از خَل و مس چو بگیری زنگار

کن نگهداریش از گردوغبار

حل زنگار همان از خَل کن

لیک در کاسه چینی حل کن (شیخی، ۱۳۹۳: ۸۴) علاوه بر این در خلال کاوش‌های باستان‌شناختی شهر تاریخی گسکر گیلان، تعدادی ظروف چینی منقوش به گل‌وبوته وارداتی شناسایی شد (جهانی، ۱۳۹۰: ۴۱)؛ این شهر که حداقل تا اواسط دوره صفوی از رونق نسبتاً خوبی برخوردار بود، به عنوان یکی از سکونت‌گاه‌های مهم سادات کیایی در طول قرن نهم هجری به شمار می‌رفت.

در این دوره بخش اعظم روابط تجاری الموت در شمال از طریق بندر تاریخی «کوتم» و در جنوب با شهر قزوین که جاده ابریشم از چند فرسنگی آن می‌گذشت، به انجام

ایران چینی‌سازی است که خاک آن از حوالی کرمان تأمین می‌شد، چینی ایرانی مانند چینی ما حرارت به خود نمی‌گیرد و این امتیاز مهمی است، زیرا وقتی که مایع گرمی در کاسه چینی ایرانی بریزید پایه و لبه بالای آن اصلاً گرم نمی‌شود. (تاورنیه: ۱۳۸۲: ۲۷۰)

جالب آنکه بخش اعظم ظروف بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به مانند قطعات به دست آمده از قلعه الموت، مختص به دو شهریار بزرگ سلسله مینگ، جیاجینگ (۱۵۶۶ - ۱۵۲۲م) و وانلی (۱۶۲۰ - ۱۵۷۳م) است. (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۶) این سفالینه‌ها که به شاه‌عباس اهداشده بود، در سال ۱۶۱۲ میلادی وقف آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی شده است. چینی‌هایی که برای نوشیدن قهوه و شراب در عمارت شاهی اشرف‌البلاد (بهشهر) مورد استفاده قرار می‌گرفت به درستی مشخص نیست که ساخت سفالگران ایرانی بوده و یا از چین وارد شده است (استودارت: ۱۳۳۹: ۱۹۸)، از جزیره هرمز نیز قطعات ظروف چینی از دوره مینگ به دست آمده است. (مانوئل لوریرو، ۱۳۹۴: ۴۵)

ظروف چینی و راه‌های تجاری الموت

الموت به عنوان یکی از منزلگاه‌های مسیر تجاری سواحل شمال به شهرهای قزوین و ری و از آنجا به اصفهان، از دیرباز نقش بسزایی در انتقال ابریشم گیلان به بخش مرکزی ایران داشته است. در اواسط قرن هفتم هجری، قلعه الموت به تصرف سپاه مغول درآمد و مغلوبین تا دو سده که جای خود را به شیعیان زیدی مذهب کیائیه دادند، در پنهان و آشکار^۱ به حیات نیمه‌مستقل خود ادامه می‌دهند. مناطق تحت تسلط آل کیا (۷۸۰ - ۱۰۰۱ ه.ق) که به وسیله یکی از شاگردان سید قوام^۲ به نام سید علی و با تأسی از نهضت مرعشیان مازندران (۷۶۰ - ۹۸۶ ه.ق) پایه‌گذاری گردید، علاوه بر گیلان، الموت و طالقان را هم شامل می‌شد. دولت مذکور از زمان اوزون حسن چهارمین حاکم آق‌قویونلو، زیر سلطه عراق عجم درآمد و بعد از آن با یورش قزلباش‌ها (۱۰۰۱ ه.ق) در دولت صفوی مستحیل می‌گردد.

بنابراین هم‌زمان با حکومت اوزون حسن (۸۵۷ - ۸۸۲ ه.ق) منطقه الموت در اختیار کارکیا سلطان محمد دوم (۸۵۱ - ۸۸۳ ه.ق) ششمین فرمانروای کیائیه قرار داشت. کارکیا

۱. به حضور مجدد اسماعیلیان در قلعه الموت (از ۶۷۴ الی ۷۷۰ ه.ق)، اصطلاحاً «نو دولت» گفته می‌شود.

۲. سید قوام‌الدین مرعشی ملقب به میر بزرگ (م ۷۸۴ ه.ق)، مؤسس دودمان مرعشیان تبرستان بود.



تصویر ۶. کاسه چینی از دوره مینگ با نقش خرچنگ ۱۳۸-۱۶۴۴ م، مأخذ: www.pinterest.com

در این ایام یعنی مقارن با دو فغفور بزرگ سلسله مینگ و با تداوم روابط تجاری ایران و چین شاهد صادرات سفال آبی و سفید چین به ایران در دوره تیموری و به ویژه دوره صفوی هستیم؛ بنابراین به رغم از نفس افتادن جاده ابریشم که از عمده دلایل آن می توان به تصمیم منفعلانه حاکمان مینگ در بسته نگه داشتن مرزهای غربی (۱۴۲۴م) و تغییر الگوی تجاری از راه زمینی به مسیر دریایی اشاره کرد؛ اما هنوز بازرگانان محلی در راه های بین دریای مدیترانه و شهرهای کاروانرو آسیای مرکزی در رفت و آمد بودند. (فرانک و براونستون، ۱۳۷۶: ۳۲۴) در این میان نقش تجار ونیزی در عهد اوزون حسن و تجار ارمنی در تجارت خارجی دوره صفوی از بقیه ملیت ها چشمگیرتر است. در واقع این تجار ونیزی بودند که برای نخستین بار ظروف چینی ساخت مینگ را که در آن دوره جنبه تجملاتی داشت و بعدها در عصر صفوی رواج زیادی یافت، با خود از شرق به ایران آوردند. (امیری، ۱۳۹۰: ۱۵) طبق گفته تاورنیه، ایرانی ها و کلیمی ها تجارت داخلی عصر صفوی را بر عهده داشتند. (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۶۵)

با توجه به آنچه در منابع آمده از الموت در دوره صفوی به عنوان زندان استفاده شده است و در یکی از منابع، به انبار قلعه الموت در عهد شاه طهماسب (۹۷۳ ه.ق) اشاره شده است. (همان: ۴۵۵) که نشان می دهد در دوره صفوی قلعه الموت صرفاً به عنوان زندان مورد استفاده نبوده است و قطعات چینی به دست آمده آمده نیز این نکته را تأیید می کند. معدود قطعات چینی دارای کاندجی قلعه الموت، متعلق به سه امپراتور سلسله مینگ، چنگخوا (۱۴۸۷ - ۱۴۶۵ م)، جیاجینگ (۱۵۶۶ - ۱۵۲۲ م) و وانلی (۱۶۲۰ - ۱۵۷۳ م) هستند و قدیمی ترین آن ها هم زمان با اوزون حسن مقتدرترین حاکم آق قویونلو در ایران و دو فغفور دیگر به ترتیب با شاه طهماسب اول و شاه عباس صفوی هم دوره هستند.

می رسید. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳: ۴۰۸) کوتم بندرگاهی تاریخی در کنار مصب سفیدرود است که حمدالله مستوفی در مورد آن نوشته: «کوتم از اقلیم چهارم است و در کنار دریا افتاده است و بندرگاه کشتی که از گرگان، طبرستان و شیروان از آنجا بیرون می آید و حاصل عظیم دارد». (مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۰۳) به عقیده علی عبدلی، پس از روی کار آمدن سادات کیانی، نام کوتم به حسن کیاده تغییر می یابد. (عبدلی، ۱۳۶۹: ۵۰-۴۶) در واقع حسن کیاده در نیمه اول قرن نهم هجری به دستور سید حسن کیا (۸۴۴ ه.ق) احداث و به نام وی خوانده شد. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۳: ۴۰۱)

اما در جنوب، راه ارتباطی دولت کیانی به قزوین از چندین مسیر مختلف از جمله راه معروف اشکور که از شرق رودخانه پلرود وارد منطقه پشتکوه (رودبار الموت) می شود، صورت می گرفت. از جمله اقدامات اقتصادی این دولت، ساخت مسافرخانه ای در ناحیه سی جیران (حدفاصل رحیم آباد به اشکور علیا) توسط سیدرضی کیا (۸۲۹ ه.ق) بود. (مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۴۵) افزون بر این، حمایت آل کیا از تجار یهودی و تازه مسلمان شده و نادیده گرفتن پیشینه دینی آن ها از دیگر سیاست های مدبرانه در حفظ منابع مالی و رونق اقتصادی - که بعدها دولت صفوی میراث خوار آن گردید - به شمار می رود. در این خصوص نامه ای از خان احمد دوم (۹۴۲ - ۱۰۰۵ ه.ق) آخرین حکمران کیانی در دست است که بیانگر حمایت وی از بازرگانان و وصول طلب آن ها از مردم است. (نوزاد، ۱۳۷۳: ۴۲)

از راه های تجاری الموت در دوره صفوی، می توان به راه ارتباطی قزوین به دیلمان اشاره کرد که به دستور شاه عباس، ابتدا این راه قدیمی بازسازی شد و سپس پل عظیم و باشکوه «نبوه» بر روی رودخانه شاهرود ساخته شده. (ستوده، ۱۳۷۷: ۴۴) و نیز راه میان کوهی قزوین به تنکابن (در امتداد دره سه هزار) که قلعه الموت در مجاورت آن قرار دارد، اشاره کرد. (ستوده، ۱۳۴۸: ۹۸)

نتیجه

ظروف چینی آبی و سفید یکی از کالاهای باارزش است که از طریق راه های زمینی و دریایی چین به مناطق دیگر صادر می شد. این ظروف در بین ایرانیان بسیار مورد توجه قرار گرفت اگرچه در

یافته‌های باستان‌شناسی توجه چندانی به اطلاعاتی که از نوشته‌های روی این سفال‌ها می‌توان به دست آورد، نمی‌شود. در کاوش‌های قلعه بالا الموت نیز قطعاتی از ظروف چینی آبی و سفید با خط چینی (کانچی) معرف سه امپراتور چنگ‌خوا، جیاچینگ و وانلی به دست آمده آمد. با توجه به تاریخ حکومت امپراتوران چین به ترتیب با اوزون حسن حاکم آق قویونلو و دو پادشاه صفوی شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس هم‌دوره بوده‌اند که نشان می‌دهد قلعه الموت در بازه زمانی تیموری-صفوی نیز محل سکونت بوده و تنها محل تبعید و زندان نبوده است. در یکی از قطعات نام فغفور چنگ‌خوا دیده می‌شود و دو قطعه دیگر مربوط به زمان جیاچینگ و نواده‌اش وانلی است که عبارت‌های خاص آن دوره بر روی سفال‌های چینی آمده است. عبارت‌های نوشته شده از این قرارند: Chang ming fu gui به معنای طول عمر زیاد توأم با شادی، ثروت و تندرستی و Yong bao chang chun به مفهوم همیشه جوان بودن. این قطعات مشخص می‌کند با توجه به موقعیت استراتژیک قلعه و استحکام آن حمله مغولان، حیات سیاسی و اجتماعی قلعه الموت را از بین نبرده و این مکان تا دوره صفوی همچنان مورد استفاده واقع شده است. قطعات ظروف چینی به دست آمده نشان می‌دهد برخلاف آنچه در منابع دوره صفوی آمده از این مکان صرفاً به عنوان زندان استفاده نمی‌شده و تداوم حیات اجتماعی و سیاسی در قلعه الموت خاصه در عهد ترکمانان آق قویونلو و صفویه وجود داشته است. همچنین از یافته‌ها می‌توان دریافت مسیرهای مبادله و تجارت همچنان از این منطقه که به صورت واسطه بین سواحل شمالی و شهرهای جنوبی رشته‌کوه‌های البرز همچون قزوین قرار داشته بدون گسست در جریان بوده است.

منابع و مأخذ

- استودارت، هربرت. ۱۳۳۹. سفرنامه استودارت، ترجمه: احمد توکلی و سردنیس راس، مجله فرهنگ ایران زمین، شماره ۸، صص ۱۶۱-۲۲۰.
- امیری، زهرا. ۱۳۹۰. روابط ونیز و ایران در عهد اوزون حسن آق قویونلو، مجله تاریخ پژوهی، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص ۲۰-۱.
- آبرو، حافظ. ۱۳۹۵. زبده التواریخ، تصحیح سیدکمال حاج سید جواد، ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر. بکران، محمدبن نجیب. ۱۳۴۲. جهان نامه، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات ابن سینا.
- باربارو، جوزفا؛ ونچنتو دالساندی؛ آمیروجو کنتارینی؛ کاترینو زنو و آنجو للو. ۱۳۸۱. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین. ۱۳۱۹. تاریخ بیهقی، تصحیح سعید نفیسی، ج ۱، تهران: انتشارات سنایی.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۸۲. سفرنامه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- جهانی، ولی. ۱۳۹۰. باستان‌شناسی صومعه‌سرا، رشت: انتشارات بلور.
- جوهری نیشابوری، محمد بن ابی البرکات. ۱۳۸۳. جواهر نامه نظامی، با همکاری محمد رسول دریاگشت، تهران: میراث مکتوب.
- چوبک، حمیده. ۱۳۸۵. گزارش فصل ششم کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه الموت، تهران: پژوهشکده میراث فرهنگی و گردشگری منتشر نشده.
- حسینی، سید هاشم. ۱۳۹۰. بازتاب و تحلیل نگاره اژدها در سفالینه‌ها و کاشی‌های دوران اسلامی ایران، نگره، ش ۱۹، صص ۴۸-۶۱.
- دانشپورپرور، فخری. ۱۳۷۶. یافته‌های ظروف چینی جزیره هرمز و نقش این جزیره در بازرگانی ایران و چین، شوش، یادنامه گردهمائی باستان‌شناسی، تهران: میراث فرهنگی.



- رابینو، ه، ل. ۱۳۶۴. فرمانروایان گیلان: مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، ترجمه جکتاجی و مدنی، رشت: نشر گیلکان.
- رجب‌زاده، هاشم. ۱۳۸۱. تعریف ابن‌الندیم و رشیدالدین فضل‌الله از خط چینی - ژاپنی و مزایای آن، نامه انجمن، ش ۵، صص ۹۹-۱۲۳.
- روح‌فر، زهره. ۱۳۸۱. تجزیه لعاب سفید و آبی بر اساس آزمایش پیکسی، باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۳۲، صص ۴۸-۵۰.
- زکی، محمدحسن. ۱۳۸۴. چین و هنرهای اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- زکی، محمدحسن. ۱۳۸۸. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال.
- ستوده، حسین قلی. ۱۳۴۸. تاریخچه قزوین، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۲، صص ۲۱۰-۱۶۵. ستوده، منوچهر. ۱۳۷۷. از آستارا تا استرآباد، ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سمرقندی، ابوطاهر بن ابوسعید. ۱۳۶۷. سمریه، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.
- سیوری، راجر. ۱۳۷۲. ایران عصر صفوی، ترجمه کامییز عزیزی، تهران: انتشارات مرکز.
- شیخی، شهرزاد. ۱۳۹۳. پژوهشی در رساله گلزار صفا نوشته صیرفی سال ۵۹۵۰ ق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه هنر.
- عبدلی، علی. ۱۳۶۹. تاتها و تالشان، تهران: انتشارات ققنوس.
- فرانک، آیرین و دیوید براونستون. ۱۳۷۶. جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سروش.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی. ۱۳۸۳. سیمای کوچان، ج ۱، قم: انتشارات بخشایش.
- فریه، ر. دلبلیو. ۱۳۷۴. هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
- جرالد، فیتز. ۱۳۶۷. تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن علی. ۱۳۴۵. عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، تهران: میراث مکتوب.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. ۱۳۸۰. سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: انتشارات ققنوس.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین. ۱۳۵۲. تاریخ خانی، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لیانگ، جانگ‌شینگ. ۱۳۸۵. تاریخ روابط ایران و چین، ترجمه جان هون‌نین، تهران: پژوهشکده زبان‌گویی.
- لیانگ، یه‌ئی. ۱۳۶۶. رفت و آمدهای دوستانه بین چین و ایران در زمان قدیم، تهران: نشریه سیاست خارجی، شماره ۴، صص ۸۶۰-۸۴۰.
- مانوئل لوریرو، روئی. ۱۳۹۴. تجارت ظروف چینی در زمان حضور پرتغالی‌ها در جزیره هرمز، کندوج، ش ۱۲، صص ۴۳-۵۴.
- متین، مهران. ۱۳۸۷. چینی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- مرعشی، سید ظهیرالدین. ۱۳۶۴. تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مستوفی، حمدالله. ۱۳۸۱. نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
- نوزاد، فریدون. ۱۳۷۳. نامه‌های خان احمد گیلانی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- وولف، هانس ای. ۱۳۷۲. صنایع دستی کهن ایران، تهران: انقلاب اسلامی.



- by Darioush Taleghani. Kandooj, Vol. 12: 54-43.
- Mar'ashi, Z. 1985. History of Gilan and Delamestan. Corrected by Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Entesharat Etela'at.
- Matin, M. 2008. Chini in Encyclopaedia of the World of Islam, Vol.12. Tehran: Bonyade dayerat-ol Ma'aref Eslami.
- Mostofi, H. 2002. Nozhat ol Gholob. Corrected by Mohammad Dabir Siaghi. Qazvin: Entesharate Hadise Emroz.
- Nozad, F. 1994. Letters of Khan Ahmad Gilani. Tehran: Bonyad Moqofate Dr. Mahmoud Afshar.
- Rabino, H. L. 1985. Rulers of Gilan: A Collection of Four Discourses on the History and Geography of Gilan, translated by Joktaji and Madani, Rasht: Nashr Gilkan.
- Rajabzadeh, H. 2002. Ibn al-Nadim and Rashid al-Din Fazlullah's definition of the Chinese-Japanese script and its advantages, Nameh Anjoman, Vol. 5: 99-123.
- Rouhfar, Z. 2002. Analysis of White and Blue Glazes by PIXE Method, Journal of Archaeology and History, No.32: 48-50.
- Samarghandi, A. T. 1988. Samaria, by Iraj Afshar, Tehran: Farhang Iran Zamin Publication.
- Savori, R. 1993. Safavid Iran, translated by Kambiz Azizi, Tehran: Markaz Publication.
- Sotoudeh, H. Gh. 1969. History of Qazvin, Journal of Historical Studies, No. 22:165-210.
- Sotoudeh, M. 1998. From Astarato Astarabad, Vol2, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Stodart, R. 1960. Stodart Travelogue, translation of Ahmad Tavakoli and Sardnis Ross, Journal of Farhang Iran Zamin, Issue 8: 161-220.
- Suleski, R. 2019, Daily Life for the Common People of China, 1850 to 1950, Brill Leiden Boston.
- Sheikhi, Sh. 2014. Research in Golzar Safa's essay written by Sirafi in 950 AH. M. A. thesis, Art University of Isfahan.
- Tavernier, J. B. 2003. Safarnameh, translated by Hamid Arbab Shirani, Tehran: Niloufar Publication.
- Valenstein, S. 1989. A Handbook of Chinese Ceramics Revised and Enlarged Edition, The Metropolitan Museum of Art.
- Wen, R. Pollard A. M. 1971. Ceramics. London: Oxford University Press
- Wolf, H. E. 1993. Ancient Iranian Handicrafts, Tehran: Islamic Revolution.
- Williamson, A. 1987. Regional distribution of mediaeval Persian pottery in the light of recent investigations, In Syria and Iran: Three studies in medieval ceramics, James Allan (ed), Oxford: Oxford University Press, pp 11-22.
- Yolande, C. 2002. Persia and China safavid blue and white ceramics in the Victoria & Albert museum 1501-1738. London: La Borie.
- Zaki, M.H. 2005. China and Islamic Arts, translated by Gholamreza Tahami, Tehran: Academi of Arts Publication.
- Zaki, M.H. 2009. History of Iranian Industries after Islam, Translated by Mohammad Ali Khalili, Tehran: eghbal.
- <https://www.icollector.com/268-Chinese-Ming--Xuande-Potter-Bowl-With-Kanji-i13544356>
- <https://www.pinterest.com/pin/387450374176517121>. <https://www.pinterest.com/pin/345721708876100928>.
- <https://www.pinterest.com/pin/546765211011658041>.
- <https://www.pinterest.com/pin/485262928574615886>.



publication.

Chubak, H. 2006. Report of the sixth chapter of archaeological excavations of Alamut Castle, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute (unpublished).

Daneshpurparvar, F. 1997. Findings of porcelain on the island of Hormuz and the role of this island in the trade of Iran and China, Shoush, Archaeological Conference, Tehran: Cultural Heritage.

Faghih-Mohammadi Jalali, M. M. 2004. Introduction to Kouchan. Vol 1. Qom: Bakhshayesh.

Frank, A & David Brownstone. 1997. The Silk Road, Translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Soroush Publication.

Ferrier, R. W. 1995. Iranian Arts, Translated by Parviz Marzban, Tehran: Farzanrooz.

Finlay, R. 1998. The Pilgrim Art: The Culture of Porcelain in World History, Journal of World History, Vol. 9 (2): 141-187.

Garner, H. 1956. The use of imported and native cobalt in Chinese blue and white, Oriental art, Vol. 2 (2): 147-149.

gerald, F. 1988. China: a short cultural history . Translated by Esmail Dolatshahi. Tehran: Elmi Farhangi publication.

Golombek, L & Mason, R. B. 2014. Persian Pottery in the First Global Age (The Sixteenth and Seventeenth Centuries), Brill Leiden. Boston.

Golombek, L. & Mason, R. B. 2001. Safavid potters marks and the question of provenance, Iran, Vol 39: pp 207-236.

Hodgson, W. 1957. How To Identify Old Chinese, The Cornell University Library. Chicago A. C. Mcclurg & Co. London: Methuen & Co.

Hosseini, H. 2011. Reflection and analysis of the image of the dragon in the pottery and tiles of the Islamic period of Iran, Negareh, vol. 19: 61-48.

Hooper, W.H & Phillips, W. C. 1984. Pottery and Porcelain. Macmillan and Co. and New York.

Hucker, Ch. 1978, The Ming Dynasty its Origins And Evolving Institutions, Center for Chinese Studies The University of Michigan.

Irene, F. Brownstone, D. 1997. The silk road: a history. Translated by Mohsen Soalsi. Tehran. Soroush publication.

Jahani, V. 2011. Archeology of Someasara, Rasht: Bloor Publication.

Johari Neyshaburi, M. 2004. Javaher-Nameh Nezami, in collaboration with Mohammad Rasoul Daryaaghesht, Tehran: Mirase Maktoob.

Kashani, A. 1966. The jewels and the precious jewels (Arais al-Jawahir wa Nafais al- Atayyib) Tehran: Mirase Maktoob publication.

Kambakhsh Fard, S. 2001, Pottery in Iran from Neolithic to the Present, Tehran: Qoqnoos.

Kessler, A. T. 2012. Song Blue and White Porcelain on the Silk Road, Edited by Jan Fontein, Brill Leiden Boston.

Lane, A. 1971. Later Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey, publisher: Faber and Faber Ltd.

Li, H. 1996. Chineses Ceramics, London: Thames & Hudson.

Lahiji. A. 1973. Khani History. Corrected by Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran publication.

Liang, Y. 1987. Friendly exchanges between China and Iran in ancient times. Nashrieh Siasat Khareji. Vol. 4: 840-860.

Liang, Zh, X. 2006. The materials for a history of sino - foreign relations. Translated by John Hon Nin. Tehran: Pazhoeskadeh Zaban o Gouyesh.

Manuel Loureiro, R. 2015. The Portuguese in Hormuz and the trade in Chinies Porcelain. Translated



the contemporary motifs of the Ming dynasty in China. During this period, even the marks of the empire were sometimes imitated by Iranian potters. However, since these potters were not familiar with the Chinese script and writing system, the porcelains with Kanji, especially the ones obtained from various parts of Iran, including three pieces found during ancient archeological excavations at Alamut Castle should be considered as the imported ones. The purposes of this study are to re-read the Kanji text on porcelain potsherds and to date them, then, to determine their periods to analyze and understand the archaeological status of Alamut Castle after Mongols invasion. The research method in this study is descriptive-analytical. The material of this research comes from archaeological excavations and then translated into Persian by library method. The main question of the research is: these potsherds belong to which historical period and how must they be interpreted in archaeological and historical context? Some pieces of porcelain were discovered in Alamut Castle. These pieces in Chinese script (Kanji), representative of three emperors, namely «Chenghua (成化)», «Jiajing (嘉靖)», and «Wanli (萬曆帝)», are contemporary with Uzun Hassan (the ruler of Aq Qoyunlu), and two Safavid kings, i.e. Shah Tahmasp I, and Abbas the Great, respectively. The name of «Chenghua» can be observed in one of the pieces, while each of the other two pieces have four common auspicious words in the blue and white dishes of the «Jiajing» era and his grandchild, «Wanli». In addition, the crab relief is seen in the inner surface of one of the pieces as a common relief, favored by the artists of this period. Therefore, this finding, along with other cultural data obtained from Alamut Castle, indicates the continued resumption of political and social life in the region following the Mongol invasion, especially its trade relations during the reign of Aq Qoyunlu Turkmens and of the Safavids.

Keywords: Alamut Castle, Porcelain, Kanji, Ming Empire

References:

- Abro, H. 2016. *Zobdatol Tavarikh*, edited by Seyed Kamal Haj Seyed Javadi, Vol.1, Tehran: Asatir Publication.
- Abdoli, A. 1990. *Tats and Taleshs*. Tehran: Qoqnous publication.
- Amiri, Z. 2011. Relations between Venice and Iran in the era of Ozun Hassan Aq Qoyunlu, *Journal of Historiography*, Vol.13 (48):1-20.
- Bailey, A. G. 1996. The Stimulus: Chinese Porcelain Production and Trade with Iran, In *Tamerlane Table Ware: A new approach to Chinosere ceramics of the fifteenth and sixteenth century Iran*, Ontario: Mazda Publishers, pp 7-15.
- Bakran, M. N. 1963. *Jahannameh*, edited by Mohammad Amin Riahi, Tehran: Ibn Sina Publication.
- Barbaro, J; Vencento, D; Contarini, A; Zeno, K and Lello, L. 2002. *Venetian Travelogues in Iran*, translated by Manouchehr Amiri, Tehran: Kharazmi Publication.
- Bayhaqi, M. H. 1940. *History of Bayhaqi*, edited by Saeed Nafisi, vol. 1, Tehran: Sanaei Publication.
- Beamish, H. H. 1954. The Marks on Chinese Porcelain, *Museums Department Federation of Malaya*, No.6: 1-10.
- Carsewell, J, 2000, *Blue & white ceramics, Chinese Parcelain Aroun the World*. London.
- Canby, Sh. 2006. *Safavid art and architecture*. Translated by Mazda Movahed. Tehran: Farhangestan-e Honar.
- Chardin, J. 1996. *The Travels of Sir John Chardin*. Translated by Eghbal Yaghma'i, Tehran: Toos

Study of Kanji Script on Chinese Porcelain Pottery Recovered from Archeological Excavations at Alamut Castle of Qazvin

Kambiz Kabiri, MA in Archaeology, Member of Alamut Cultural Base, Qazvin, Iran

Parasto Masjedi Khak, Assistant Professor of Archaeology, University of Neyshabur, Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Hamide Choubak, Manager of Alamut Cultural Base, Qazvin, Iran

Received: 2021/04/08 Accepted: 2021/09/01



All the Esmailid castles in Alborz highlands are divided into two main groups, i.e. the castles whose footstone had been founded by Esmailids themselves and the ones that have been conquered by Fada'iyan and some other parts had been added to them. Alamut Castle is placed in the second group of castles, especially since the name of this castle can be observed alternately in historical sources up to the collapse of the Safavid dynasty. Alamut Castle was seized by the Mongol army in the middle of the seventh century AH. Consequently, the conquerors set off towards Baghdad and the losers who had given way to the Zaidiyyah Shiites of the Kiyaiyeh religion, continued their semi-independent life for two centuries. The areas under the control of Kia Family (780-1001 AH) also included Alamut and Taleghan except for Gilan. Indeed, Kia Family was founded by one of the students of Seyed Ghavam, namely Seyed Ali, under the influence of Mazandaran Marashian Movement (760-986 AH). The aforesaid government has been under the control of the Ajam Iraq since the time of Uzun Hassan, the fourth ruler of Aq Qoyunlu and was then overthrown by the Ghezelbash invasion (1001 AH) of the Safavid state. From that time onwards, the Safavids were the political decision-makers of Iran until the threshold of the industrial revolution. Thus, the conquest of Alamut Castle during the Mongol period did not mean the end of the castle's life. After that, it was used for a long time by the Esmailid survivors (New Government), Kiai Seyeds. Finally, it came under the control of the Safavid government and was used by this government as a place to keep the outcast (forgotten home). Alamut, as one of the homes of the northern coasts' trade route to the cities of Qazvin and Shahr-e-Rey and then toward Isfahan, has long played an important role in the transfer of Gilan silk to the central part of Iran. The Venetian merchants were the ones who first brought Chinese pottery made by the Ming to Iran from the east. Such type of pottery had a luxurious aspect at that time and later became very popular in the Safavid era. This claim is proven by the mass discovery of cultural artifacts from that period. For example, one can refer to a few blue and white pieces of porcelain made by the Ming empire with Chinese words (Kanji). In Japanese, Chinese script signs are referred to as Kanji. The current Kanji, as the conceptual logographic writing system, has been stabilized from the evolution of the first symbols and signs around 2000 to 2500 BC in the land of eastern China and then has entered the islands of Japan with the passage of time. In Iran, the blue-and-white pottery produced in the cities of Neyshabur during the Timurid empire and in Mashhad in the Safavid era has received the greatest influence from